



ناطق نوری:

مدام می‌گویند

آن یکی و این یکی دزد است

گروه سیاست: علی اکبر ناطق نوری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: امروز عده‌ای دل مردم را خالی می‌کنند، برای اینکه می‌خواهند طرف مقابل را بکوبند اما حواسمان باشد که امروز هر فریادی که دل مردم را خالی و ایجاد تفرقه کند...

صفحه ۶

سال پانزدهم • شماره ۳۱۶۵ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان



رئیس جمهوری در دیدار علما و فرهیختگان اهل سنت:

جوانان، زنان و اقلیت‌ها در مظلومیت هستند

گروه سیاست: رئیس جمهوری، عصر شنبه در دیدار با علما و فرهیختگان اهل سنت، همه اقوام و مذاهب را نقش‌های متفاوت از یک ملت بزرگ به نام ایران اسلامی دانست و با بیان اینکه اسلام، اهل بیت (ع) و ایران اصلی‌ترین دارایی همه ماست...

صفحه ۱۵

شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۷ • ۲۴ رمضان ۱۴۳۹ • ۹ ژوئن ۲۰۱۸

سرمقاله

سنتر دولت هاشمی و احمدی‌نژاد

احمد غلامی . سردبیر

اگر خصیصه اصلی دولت‌های بعد از انقلاب را خلاق و انقلابی‌بودن بدانیم، دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ۵۷ در این زمینه و در فرایندی ۴۰ساله سیری نزولی داشته‌اند و دولت‌ها در هر مقطع و به دلایلی پاره‌ای از مردم را از کف داده‌اند. این دولت‌ها بیش از آنکه خلاق و انقلابی باشند، در پی افزایش اقتدار خویش بوده‌اند؛ البته فارغ از اینکه این دولت‌ها به چه میزان اقتدارگرا بوده و به این مهم دست یافته‌اند، نقد آنها راهگشاست. دولت موقت بسیار تلاش کرد تا دولتی خلاق و انقلابی باشد؛ خلاق به آن معنا که مردم نقشی اساسی در تصمیمات دولتی داشته باشند و انقلابی از آن جهت که این تصمیمات به دست مردم تداوم یابد. دولت دوران دفاع مقدس بنا بر اقتضای شرایطش بیش از آنکه اقتدارگرا باشد، ناگزیر بود جنگی بزرگ و مہینی را سامان بدهد و این ساماندهی بدون مقاومت مردم در جبهه و شهر ناممکن بود. ازاین‌رو هر دولتی که روی کار می‌آمد، خواسته یا ناخواسته بیش از هر چیز باید به مردم تکیه می‌کرد. این همکاری دولت- ملت که مردم در آن نقش پررنگ‌تری داشتند، الزاما قائم به گردانندگان دولت نبود. دولت موقت و دولت دوران دفاع مقدس دولت‌های خلاقی نبودند. نتوانستند ایده‌ای را خلق و در سایه آن نقش دولت را کمرنگ کنند. دولت موقت در فضای سوءظن‌های انقلابی شکل گرفت؛ فضایی که در آن ایده‌ای خودانگیخته اجرایی نمی‌شد. دولت دفاع مقدس هم از این قاعده منگف بود. این دولت‌ها با اینکه توان انقلابی و خلاق داشتند اما شرایط آن روزگار نگذاشت تبدیل به دولت‌های بزرگ انقلابی شوند. دولت هاشمی‌رفسنجانی دولت بماهو دولت بود. هاشمی معنای دولت انقلابی را واژگون کرد. با اینکه خود او از پیشگامان انقلاب بود. همین تضاد در هاشمی به دولتش نیز سرایت کرد. او می‌خواست دولتی کوچک داشته باشد تا بخش‌های خصوصی فعال شوند اما تنها این اتفاق نیفتاد بلکه خصوصی‌ها دولت را فریفته کردند. با این تفاوت که خصوصی‌ها نه به دولت پاسخ‌گو بودند نه به مردم. تضاد دیگر دولت هاشمی که خود را دولتی انقلابی می‌دانست، وانهادن مردم و روی کار آوردن تکنوکرات‌های درس‌خوانده در غرب بود؛ افرادی که انقلابی‌گری (مردم‌محوری) را امتداد یا سازندگی می‌دانستند. آغاز جدایی راستین مردم از دولت با دولت سازندگی آغاز شد. مردمی رفتند و مردمی دیگر جایشان را گرفتند؛ مردمی رانته با دولتی سرمایه‌سالار. دولت هاشمی با کنارگذاشتن دولت خلاق (ایده‌محور) و انقلابی (مردم‌محور) سعی در خنثی‌سازی شرایط ایجادشده بعد از دولت دفاع مقدس را داشت.

ادامه در صفحه ۴

خانواده محترم عقلی

با نهایت تأسف و تأثر، مصیبت درگذشت مرحوم مغفور خادم‌الحسین(ع)

منوچهر عقلی

را به شما تسلیت می‌گوییم. برای آن مرحوم غفران و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.

سرهنگ امینی نظری – امیر مظاهری

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه آخر

مجمع تجاری نارون

رجوع به صفحه ۱۵

سازمان آگهی‌ها

۸۸۷۹۲۴۳۴-۸۸۱۹۲۸۷۷

رجوع به صفحه ۳

LONGINES

رجوع به صفحه ۵

ایران‌نو

رجوع به صفحه ۷

یادداشت

پالونیای چین، کهور آمریکا و سالیکورنیای مکزیک

پالونیای چینی و سالیکورنیای مکزیکی به جان طبیعت ایران افتاده‌اند. آنچه برای من تلخ است، این است که برخی از حامیان این تفکر کسانی هستند که در مهم‌ترین مراکز پژوهشی منابع طبیعی یا دانشگاه‌ها کار می‌کنند. مانند مرکزی که در آن باغ گیاه‌شناسی ملی ایران واقع شده است و فلور ایران را منتشر می‌کند؛ مرکزی که میراث‌دار قدیمی‌ترین مجله بین‌المللی گیاه‌شناسی ایران -میراث به‌جامانده از اسکندر فیروز و روان‌شاد پر ندلیبو- است....

ادامه در صفحه ۲

حسین آخانی

استاد گیاه‌شناسی

دانشگاه تهران

یادداشت

«حق بر امیدواری ملی»

نگفتن و لاپوشانی قطعاً راه‌حل نیست، هرچند کوتاه‌زمانی ارزش تسکینی داشته باشد. با مردم صریح باشیم و مشارکت آنها را در تشخیص و درمان استمداد کنیم.

۳. از ظرفیت‌های دینی و ملی برای ایجاد امیدواری به اندازه بزرگی هایشان بهره نرفته‌ایم. جان‌مایه دین اسلام امیدواری است. بدترین کبیار در درگاه الهی دو واژه یاس و قنوط است که در فرهنگ قرآن کریم هم تراز کفر است. پیمای امیدواری به جامعه حتماً به لطف خدا و غایت هستی در مسیر تکامل، اطمینان‌به‌نفس شهروندان را بالا خواهد برد. استفاده بهینه از مفاهیم امیدبخش دینی در معارف اسلامی و ادعیه و موارث تمدنی ایرانی یک رسالت برای مراجع فرهنگی و رسانه‌های ملی و تریبون‌های عمومی است. صدای نمازهای جمعه و بلندگوهای رسمی و غیررسمی دینی باید داعی لطف، مهر، شادی، امید، توسعه، وحدت، تحمل، رواداری، خشونت‌پرهیزی، اخلاق‌گرایی، عدالت‌خواهی، راستی‌ز، منع چاپلوسی، صداقت، اعتماد و تقویت روحیه مشارکت جمعی برای رسیدن به موفقیت‌های بزرگ و کوچک باشد.

۴. به بسجی ملی برای ترویج حس امید در آحاد ملت ایران نیاز داریم. مردم ایران همبستگی‌های خود را در یک کل واحد به نام ایران به مناسبت‌های مختلف نشان داده‌اند. تبعیض، تمایز، تفرقه و ناخودکردن شماری از ایرانیان حتماً یک بلیه ناروا و جفا به ملت یکپارچه ایران است. نکتزها نعمت است و ایجاد همبستگی و حس یکی‌بودن ضمن رقابت برای بهبود و اصلاح، یک ضرورت. به تعبیر ارسطو باید سه رکن ترغیب، شامل منطق، احساس و اخلاق را در افواه عمومی فعال و از القای عوامل ناامیدکننده اجتناب کنیم. به جای تحقیر مکرر و ملت نمی‌توانیم‌های مستمر، زمینه‌های مثبت و مؤثر ملت خود را نشان داده و تقویت کنیم.

۵. ایجاد روحیه شادی و نشاط عمومی نیازمند یک راهبرد جدی است. به قول فردوسی «چو شادی بکاهد، بکاهد روان/ خرد ناتوان گردد اندر میان». باید برای شادی جامعه برنامه‌ریزی شود. جامعه افسرده و شهروند سرخورده پل‌های پشت سر و پیش‌رو را ویران دیده و عنصر کنشگر و خلاق و آزاده‌ای نیست که بتواند نقش مؤثر اجتماعی را برای توسعه و اهداف بزرگ ملی بازی کند. در این فضا، مواد تخریدی برای بریدن از اطراف تنها تسکین تجویزی است یا قهقرکردن و بریدن و مهاجرت و جلاي وطن؛ اما جامعه شاد، ملو از جوش و خروش و مطالبه و سؤال و آزادی‌گرایی است.

ادامه در صفحه ۶

مالح نقره‌کار

مام میهن، این روزها دشمنی غدارتر از «نامیدواری» در کمین ندارد؛ تلاش برای خشکانیدن بذر امید به تحقیق یک خطر ملی و بزرگ‌ترین دشمن اصلاح، توسعه، خودشکوفایی و رونق ملی است. برای یک جامعه دیرینه‌مند و منگی به تمدن چندین‌هزارساله که به روایت «هگل» نخستین ملت تاریخی و اولین امپراتوری تاریخ را با هزاران برگ زرین و قهرمان نامدار در کارنامه خود داشته و اکنون نیز ۶۰ درصد جامعه آماری نوجوان و جوان را در ترکیب جمعیتی خود دارد، انتشار آمار کاهش شاخص‌های امیدواری عمومی یک نهیب غرامت‌بار و سلاح روانی کشتار جمعی است. ضحاک خردخوار استعداد جامعه آرمانی ایرانی همه علیه «امنیت روانی» و روحیه «امیدواری» در جامعه ایران است. کجاست درفش کاویانی و کاوه آهنگری که علیه دژخیم ناامیدی قیام کند و اراده ملی را برای تغییر در تکتک ایرانیان برانگیزاند که «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر ندهد مگر از انفاش خود آغاز کند»؛ اما در این زمینه ملاحظاتنی حائز اهمیت است:

- جامعه کلنگی مثل خانه کلنگی، افق ندارد؛ ترس از فروپزختن، منهدم‌کننده بنای امید به ساختن است. در یک خانه کلنگی مشرف به خرابی انگیزه و داعی برنمی‌خیزد تا طاقی برقرار و آبادی تمهید، نهالی غرس و هزینه‌ای تدارک شود؛ بیم از آینده مبهم و شکننده مستظهر به قوانین ملتهب و ضوابط متغیر تا اقتصاد پرنوسان و ارزش پول ملی شناور مسآوری با مرگ زمستانی منهای امید بهاری است. قوه الهام‌بخش آینده «امید» است که انگیزه را داعی، بهروزی را تصور، شکوفایی را تصدیق، اراده را تحکیم، تکاپو را تولید و میل ساختن را تکثیر می‌کند.
- سانسور علت و معلول‌های ناامیدکننده و تخفیف دردهای اجتماعی و تعارف در تشخیص بیماری مجاز نیست و حتی گاهی وضعیت را برگشت‌ناپذیرتر می‌کند. باید عیان و آشکارا، بدون کتمان و غریبه‌پنداری مردم، درد را شناخت و درمان را بی‌پیرایه با ایشان به گفت‌وگو گذاشت.
- از آمار خشونت و عصبانی‌بودن مردم تا طلاق، از خودکشی و دعاوی دادگاه‌ها تا جامعه کيفری زندانیان، از میزان فساد و اقول شاخص سطح اعتماد عمومی تا تخریب محیط زیست و تعدی به کودکان، همه دلالت‌های منفی دارد؛ ولی

حرف اول

فیلولروس

فیلولامریکن و منافع ایران

سیدصادق حقیقت . استاد دانشگاه

گاه تصور می‌شود در طول زمان از سوی ایران/ ایرانیان نوعی گرایش به سمت‌وسوی روسیه (و شوروی سابق) با آمریکا (و انگلستان) وجود داشته است. همچنین این تصور کلی نیز ممکن است وجود داشته باشد که برخی ایرانیان به قطب اول و عده‌ای به قطب دوم گرایش دارند. این دو گرایش می‌توانند با دو عنوان فیلولروس و فیلول (انگلو)امریکن شناخته شوند. این در حالی است که انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به پیروزی رسید؛ در واقع، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در این برهه چه اقتصادی دارد؟ تمایل به روسیه می‌تواند دلایلی داشته باشد؛ اولاً روسیه در سخن و عمل نشان داده حامی محور مقاومت (ایران، سوریه و لبنان) بوده است؛ این محور شاه‌رگ حیاتی جمهوری اسلامی تلقی می‌شود و راهبردهای اصلی سیاست خارجی نظام را تعیین می‌کند. ثانیاً هویت انقلاب اسلامی با ضدیت با غرب (و به شکل خاص آمریکا) شکل گرفته است و روسیه می‌تواند به این مسئله یاری رساند؛ روسیه در مواردی قطع‌نامه‌های ضدایرانی آمریکا را وتو کرده است. ثالثاً ماهیت روسیه از شوروی متمایز است؛ شوروی طرف اصلی غرب در دوران جنگ سرد بود و انقلاب اسلامی با استقلال از هر دو بلوک به پیروزی رسید. درحالی‌که روسیه یک کشور متوسط اروپایی است که سیاست خارجی آن با سیاست خارجی نظام همسویی زیادی دارد. از این دیدگاه، خیانت‌های شوروی را ضرورتاً نمی‌توان پای روسیه نوشت. گرایش به سوی غرب و به شکل خاص آمریکا، به‌نوبه خود می‌تواند با مجموعه‌ای از دلایل توجیه شود؛ در درجه نخست اگر ما چاره‌ای جز تعامل با دنیا نداریم، چه بهتر که از ابتدا «ک‌خدا» را ببینیم. پیامبرگرامی اسلام(ص) هم هرگز با مذاکره را با دشمنان خود قطع نکردند. دوم اینکه خیانت آمریکا به ما در طول تاریخ بسیار کمتر از روسیه بوده است. آمریکا مواردی منفی مانند کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، کودتای نژوه، تحریم‌ها و امثال آن را در کارنامه خود دارد، اما روسیه موارد متعددی از جمله تحمیل عهدنامه گلستان و ترکمنچای، به‌توپ‌بستن مجلس، سرکوب مشروطه‌خواهان به‌دست نیروهای قراق، حمله به ایران در جریان جنگ جهانی، حمایت از صدام در جنگ تحمیلی و تعلل در تعهدات هسته‌ای (به‌ویژه در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر) را در کارنامه خود به ثبت رسانده است.

ادامه در صفحه ۶

مقام معظم رهبری: سازمان انرژی اتمی سریعاً مقدمات رسیدن به ۱۹۰ هزار سو را در چارچوب برجام فراهم کند

فرمان هسته‌ای

● ۱۹۰ هزار سو چیست و چگونه تولید می‌شود ● اتحادیه اروپا: برنامه اعلام‌شده ایران نقض برجام نیست ● صفحات ۳ و ۶

در تهران و دیگر شهرهای ایران انجام شد

پای آزادی قدس ایستاده‌ایم

عکس: سید مه‌ال‌حین پخ‌طیلا، غیران

صفحه ۲

در تهران و دیگر شهرهای ایران انجام شد پای آزادی قدس ایستاده‌ایم